

به کار رفتن

Ir trabalhar

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal

 2

 دری `prs` / português `pt`

بخت زنگ می زند. وقت است که بیدار شوید.

...

O despertador toca. Está na hora de se levantar.



او بیدار می شود.

...

Ela levanta-se.



او تشدب می رود.

...

Ela vai à casa de banho.



او دندان هی خود را بورس می کند.

...

Ela lava os dentes.



او دهنش را شستشو می دهد.

...

Ela lava a boca.



او دوش می گیرد و موهای خود را می شوید.

...

Ela toma banho e lava o cabelo.



او خود را بیک جن پک خشک می کند.

...

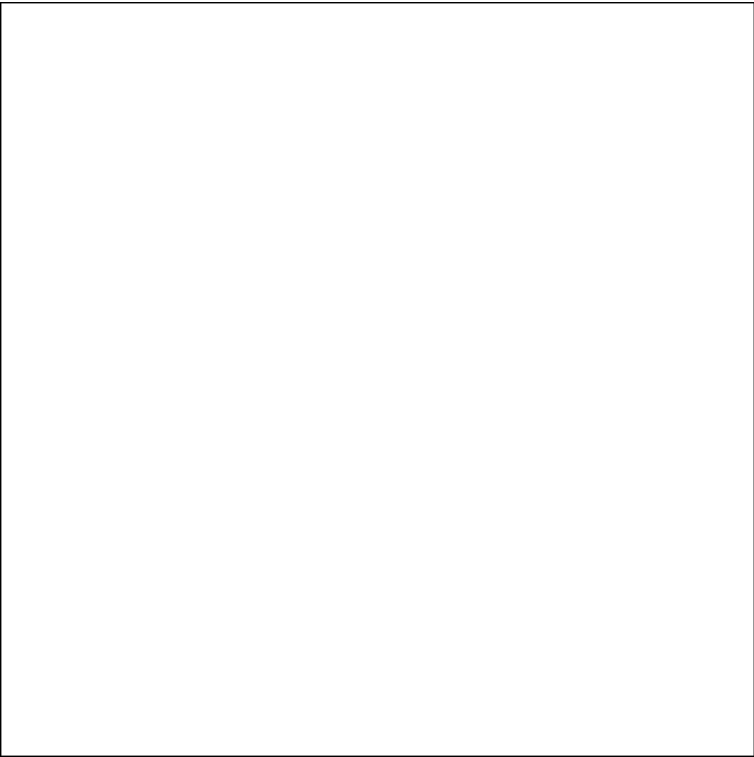
Ela seca-se com uma toalha.



او لښ می پوشد. او یک دامن و بلوز می پوشد.

...

Ela veste-se. Ela veste uma saia e uma blusa.



او بکس دستی خود را می گیرد.

...

Ela pega na mala.



او بکس دستی خود را می گیرد و به گر می رود.

...

Ela pega na mala e sai para o trabalho.



اوڊگر می رود.

...

Ela vai a pé para o trabalho.

او به مدحہ گری می رسد. او در یک دفترگر می کند.

...

Ela chega ao trabalho. Trabalha num
escritório.



LIDA Stories

lidastories.net

به کار رفتن

Ir trabalhar

 Espen Stranger-Johannessen

 Aakanee

 Shir Ahmad Laiwal (prs), Ana Costa (pt)

